



نوید قربانے

پردیس فارابی دانشگاه تهران

مصاحبه اختصاصی با

# علی هکتی منتظری

**دکتر علی منتظری زاده‌ی ۱۳۳۷ در شهر قم، از دانشمندان برتر ایران و جهان به حساب می‌آیند و ما در نشریه‌ی چرخه افتخار این را داشتیم که بتوانیم با ایشان مصاحبه‌ای داشته باشیم و از سخنان ایشان بهره ببریم.**

**دکتر منتظری هم‌اکنون ریاست پژوهشکده‌ی علوم بهداشتی جهاد دانشگاهی را بدست دارند و از چهره‌های ارزشمند کشور در زمینه‌ی پژوهش به حساب می‌آیند.**

مقاله‌ای که از این ده هزار پژوهش حاصل شده یا از آن هزار پژوهشی که صد مقاله از آن حاصل شده، حالا نسبت را هرگونه تلقی بکنید، ممکن است حدود ده مقاله خوب باشد یعنی مابقی آن‌ها ممکن است جزء ضایعات باشد و از آن ده مقاله یا آن نسبتی که از هزار یا ده هزار گفتم، یک مقاله هست که می‌تواند گره‌ای از زندگی انسان‌ها باز کند. بعضی‌ها تصورشان این است که ما می‌توانیم از اول برویم سراغ همین یک کار علمی که می‌تواند گره را باز کند ولی این در دنیای واقعی امکان‌پذیر نیست. ما باید از همان هزارتا شروع کنیم تا به این یکی آخر دست پیدا کنیم و لذا این مقالات یا این یافته‌هایی که می‌توانند اینجوری گره از کار باز کنند محتاج سرمایه‌گذاری زیادی است. یعنی شما باید هزار یا ده هزار تحقیق انجام بدهید که از آن‌ها صدتا مقاله انتشار پیدا کند که از آن صدتا ده‌تا مقاله به‌دردبخور باشد از آن ده‌تا مقاله‌ی مهم یک دانه‌اش گره‌گشا باشد. اینطور نیست که مثلا ما فکر کنیم اگر بنشینیم و فقط برویم سراغ همین یک دانه و از این آمار و ارقام هم پرهیز کنیم می‌توانیم دست پیدا کنیم به چنین چیزی این واقعا در دنیای واقعی و زندگی واقعی غیرممکن هست و طبیعتا ما احتیاج داریم هم سرمایه‌گذاری را کنیم هم پژوهش‌های متعددی را

علمی یا همان دانش از پژوهش‌های متعدد و آثار متعدد حاصل می‌شود، در کنار هم قرار می‌گیرند و یک حقیقت و یک واقعیت بزرگ‌تری را تشکیل می‌دهند و همین‌طور این یافته‌ها به صورت یک پازل در کنار هم قرار می‌گیرند و تبدیل به نوعی فناوری و یا دستاوردی می‌شوند که در نهایت ما اثر آن را در زندگی انسان‌ها می‌توانیم ملاحظه کنیم و الا اینکه ما تصور کنیم با انتشار مقالات و آمارهای جهانی که نشان از پیشرفت ما در این زمینه‌ها دارند به یک‌باره اتفاقی بیفتد، خوب به خاطر این هست که ما نگاه درستی نداریم به این مسئله و یا اینکه بعضی‌ها به صورت عمدی شاید اینطور تبلیغ می‌کنند که خوب اگر این مقالات و رتبه‌ها اثری دارند پس اثرش در زندگی مردم کجاست؟ پاسخ صحیح به این سؤال همان‌طور که عرض کردم این است که اولاً ما نگاهمان به امر پژوهش و انتشار یافته‌های پژوهشی صحیح بشود و بدانیم که این‌ها را در درازمدت باید آثارش را در زندگی مردم دید. علاوه بر این به این نکته توجه کنید که معمولا گفته می‌شود مثلا از ده هزار پژوهشی که ممکن است انجام بشود حدود هزار پژوهش است که به صورت مقاله و تبدیل آن به یک دستاورد علمی و دانش بشری قابل عرضه و دریافت است و از این هزار

باعث افتخار ماست که این فرصت در اختیار ما قرار داده شد و خیلی خوشحالیم که می‌توانیم از صحبت‌های شما استفاده ببریم.

سؤال آخر را اول می‌پرسم که در واقع سؤال اصلی هم هست؛ **چرا با وجود این حجم پژوهشی که داریم و رتبه‌های بالای ایران در رده‌بندی‌های جهانی که مستند هستند در زمینه‌ی تولید علم، ما هیچ تأثیر محسوسی نمی‌توانیم از این پژوهش‌ها در زندگی مردم عادی مشاهده کنیم؟**

بسم الله الرحمن الرحيم. خیلی متشکرم که تشریف آوردید و گفت‌وگویی را با هم خواهیم داشت. ببینید ما باید تعریفمان و نگاهمان به مسئله‌ی پژوهش تصحیح بشود. چون پژوهش اصولا یک روش نظام‌مند برای پاسخ دادن روشن به یک سؤال ساده است. هر اقدامی که این معنا و مفهوم را در بر بگیرد می‌تواند یک پژوهش تلقی بشود، محصول پژوهش دانش است. طبیعتا شما نمی‌توانید در وهله‌ی اول و به طور مستقیم دانش را در زندگی مردم یا تأثیر دانش را در زندگی مردم ملاحظه کنید، به ویژه که زندگی ما و مردم، تحت تأثیر عوامل بسیار گوناگون و مختلفی قرار دارد اما باید توجه کنیم وقتی که این شواهد

بسیار مثبت و پیش‌رونده‌ای را در این زمینه برداشتیم و برمی‌داریم.

**همیشه یک مقایسه‌ای که بین ایران و کشورهای توسعه‌یافته وجود دارد بحث بودجه‌ی تخصیص یافته به موضوع تحقیق و پژوهش است. همیشه در این آمارها گفته می‌شود که ایران خیلی بودجه‌ی کمی به تحقیق و پژوهش اختصاص می‌دهد و از اوضاع بد دانشجویان دکتری گفته می‌شود. در حالی که در کشورهای توسعه‌یافته دانشجویان دکتری پول قابل توجهی دریافت می‌کنند که تولید علم کنند و دغدغه‌ای برای زندگیشان نداشته باشند ولی در ایران دانشجوی دکتری که ازدواج هم کرده اوضاع خوبی ندارد و باید همیشه به دنبال کار باشد و نمی‌تواند به تولید علم پردازد. نظر شما در این باره چیست؟**

اشاره کردم. ما یک تنگنمایی داریم که این تنگناها عمدتاً تحمیلی هستند. مثلاً شما نگاه کنید همین بحث تحریم‌ها واقعا آثار بسیار تعیین‌کننده‌ای را در تخصیص بودجه به بحث پژوهش و کارهای علمی ایفا کرده. ما هر موقع که از نظر رشد اقتصادی وضعمان خوب بوده، وضع تحقیقاتمان هم خیلی خوب بوده. این پیشرفت‌هایی هم که در حال حاضر ما داریم واقعا به خاطر نوعی عرق ملی و روحیه‌ای است که اساتید و دانشجویان ما در دوره‌ی تکمیلی دارند، از خودگذشتگی‌ای که دارند. در عین تنگ‌دستی و محدودیت‌های بودجه‌ای زحمت می‌کشند و کار می‌کنند. این حرف درستی است.

هم بالاخره بخشی از دستاوردهای کارهای پژوهشی و علمی و تحقیقاتی است که ممکن است در وهله‌ی اول همان‌طور که اشاره کردم در زندگی روزمره‌ی الآن ما آثارش ظاهر نشود ولی یقین بدانید که در درازمدت آن‌هایی که دارای کیفیت لازم هستند و از اتقان علمی لازم برخوردارند تبدیل می‌شوند و مردم و زندگی آن‌ها تحت تأثیرش قرار خواهند گرفت.

**پس شما وضع کلی کشور در زمینه‌ی پژوهش و عوامل مرتبط به آن را روبه‌جلو و مثبت می‌دانید؟**

صددرصد همین‌طور است. یعنی طبیعتاً ما در طول این سال‌ها پیشرفت‌های بسیار خوبی داشتیم. توجه بکنید یک روزی در این کشور حتی در تربیت دانشجویان کارشناسی ارشد با مشکل مواجه بودیم. امروز تعداد قابل توجهی دانشجو در سطح دکتری تخصصی در دانشگاه‌ها و مراکز علمی ما تحقیق می‌کنند، تحصیل می‌کنند، آثارشان را منتشر می‌کنند و این‌ها پیشرفت‌های بسیار بزرگی است. به هر حال آن‌چه که ما می‌بینیم و چشم‌اندازی که ما داریم، یک چشم‌انداز روبه‌رشد و پیشرفت قابل قبولی هست. خوب مشکلاتی هم داریم مثل هر حوزه‌ی دیگری. مهم‌ترین مشکل هم این هست که ما یک مقدار عجولیم، صبر نداریم، سرمایه‌گذاری لازم نمی‌شود یعنی سرمایه‌گذاری‌ها محدود هستند. البته با توجه به تنگنمایی که کشور دارد طبیعتاً بعضی چیزها در اولویت قرار می‌گیرد و کار پژوهش و تحقیق مقداری با مشکلات این‌جوری مواجه هست. در مجموع واقعا این‌طور هست که ما گام‌های

به سرانجام برسانیم هم نتیجه‌ی این پژوهش‌ها را منتشر کنیم و تبدیل به دانش کنیم، دانش مستند که ما از آن به شواهد علمی یاد می‌کنیم بعد این شواهد علمی در کنار هم قرار بگیرند و بعد بتوانند در نهایت تعدادی از آن‌ها گره‌های کار و زندگی بشر را باز کنند و فراموش نکنیم این دانشی که فراهم می‌شود ممکن است مقداریش در ایران باشد مقداریش در اروپا باشد مقداریش در کشورهای دیگر آسیایی باشد مقداریش در آمریکا باشد همه‌ی این‌ها در کنار هم قرار می‌گیرد و بعد شما به صورت یک اختراع، اکتشاف یا یک پدیده استفاده می‌کنید از آن. چون امروز علم جهانی است و این‌طور نیست که منطقه‌ای و محدود باشد. علاوه بر این‌ها البته خوب طبیعی است هر کشوری و هر منطقه‌ی جغرافیایی هم نگاهی به مسائل و مشکلات خودش دارد و تلاش می‌کند از طریق تحقیق و پژوهش آن‌ها را حل کند. مثل بقیه‌ی کشورها خوب طبیعتاً در کشور ما هم چنین نگاهی به تحقیق و پژوهش وجود دارد که خوشبختانه توانسته حداقل به تولید دانش بومی تبدیل بشود. یعنی ما دانش بومی داشته باشیم. یک موقعی در کتاب‌ها یا نوشته‌ها من یاد می‌آید هر موقع ما می‌خواستیم آمار و ارقامی از یک بیماری بدهیم یا یک پدیده‌ی سلامت بدهیم (حوزه‌ای که خودم در آن درس خواندم) باید به آمار و ارقام دیگران مراجعه می‌کردیم ولی امروز با توجه به تحقیقات گسترده‌ای که در زمینه‌های مختلف مثلاً سلامت شده ما دانش بومی تولید کردیم و می‌توانیم به آن‌ها استناد کنیم و با توجه به استنادهایی که وجود دارد در واقع گام‌های بعدی را برداریم و این‌ها



با همین وضعیت فعلی ما چه گونه می‌توانیم بودجه‌ی سرمایه‌گذاری در تحقیقات را افزایش بدهیم من معتقدم یکی از جاهایی که می‌شود قطعاً به آن اشاره کرد همین است. این تجملات و تشریفات که به بهانه‌های گوناگون به آن پرداختند مثل اینکه به دفاتر خودشان برسند، به آمد و شد خودشان بپردازند یا به ساختمان‌های مجلل بپردازند به بهانه‌ی اینکه ما دیدارهای خارجی داریم، خوب شما بروید همین خارجی‌هایی که شما به آن‌ها استناد می‌کنید ببینید خودشان چه قدر به این مسائل حساسیت

دلیلش هم روشن است. البته اگر بشود در جاهایی که غیرضرور است صرفه‌جویی صورت بگیرد، ممکن است که بتوانیم بودجه‌ها را به این سمت سوق بدهیم. یکی از این جاهایی که واقعا باید به آن توجه کنیم بحث تشریفات و تجملات در نظام اداری و اجرایی ما است. متأسفانه در نظام اداری و اجرایی ما بعد از چند سال اول پیروزی انقلاب یک مقداری تجملات و تشریفات گسترش پیدا کرده و این خوب طبیعتاً همین بودجه‌ی مختصر را هم به خودش اختصاص می‌دهد یا می‌بلعد در واقع. اگر مثلاً کسی پیشنهاد بدهد

در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها خیلی مطالب خوبی هم وجود دارند، قوانین خوبی هم وجود دارند ولی هیچگاه تحقق پیدا نمی‌کنند. مثلاً گفته شده بود که ما بتوانیم یک درصد از تولید ناخالص ملی کشور را به امر پژوهش و تحقیق اختصاص بدهیم و همین‌جوری هم اضافه بشود در طی سال‌ها. ولی متأسفانه ما هنوز نتوانستیم این کار را بکنیم. شاید اگر اشتباه نکنم در بهترین حالت که برای سال‌های دور است که تحریم نبوده، این نیم درصد بوده. یعنی هیچگاه به این یک درصد پیش‌بینی شده دست پیدا نکردیم.



باشد. یعنی اگر استادی مثلا فرض بفرمایید که فقط یک دیدگاه مادی داشته باشد، نه اینکه نباید دیدگاه مادی داشته باشد بلکه فقط دیدگاه مادی داشته باشد، خوب طبیعتا در درازمدت آن چیزی که شما به آن اشاره کردید ممکن است اتفاق بیفتد یا برعکس این ماجرا هم می شود به نحوی بیان کرد به این شکل که اگر دانشجویان ما فقط در پی این باشند که فقط مدرکی بگیرند و فارغ التحصیل بشوند و از این مدرک بتوانند استفاده کنند یا نکنند، خوب این استاد هم انگیزه اش را از دست می دهد برای تربیت صحیح دانشجویان. وقتی هر چه بیش تر تلاش می کند کم تر نتیجه می گیرد او هم دلسرد می شود. ممکن است هیچ انگیزه ای مادی هم نداشته باشد و طبیعتا این نوع نگاه های متفاوت به مسئله ای تحصیل و آموزش و

### **هیچ دیدی نسبت به دانشگاه ندارد و وقتی رفتارهای استادها را می بیند دانشجو احساس می کند دشمن استاد است.**

من از کم و کیف این روابط به این شکل مطلع نیستم واقعا ولی اجمالا از نگاه خود من واقعا یکی از وظایف بزرگ دانشگاه و طبیعتا اساتید محترم بحث تربیتی است. یعنی درست است که آموزش و تحقیق وظیفه ای اصلی دانشگاه است اما آموزش و تحقیق بدون تربیت صحیح و درست ارزشی ندارد. حداقل از نظر ما و از دیدگاه اسلامی ارزشی ندارد. لذا این مشکل اگر وجود دارد ما باید به علل آن بپردازیم، همان طور که شما مطرح کردید در پرسشتان و می خواهید بفهمید که چرا اینگونه هست. اداره ای دانشگاه، دانشگاه، دانشجو، کتاب درسی، تحقیق، آموزش و... همه ای اینها یک الزاماتی باید همراهش

دارند و چگونه عمل می کنند؛ به هر حال هزینه هایی شبیه این را می شود از آن صرف نظر کرد یا کاست یا کم ترش کرد و به جاهای اساسی تری مثل پژوهش اختصاص داد.

**شما پیش تر در زمینه ی پژوهش فعالیت داشتید ولی همکارهای شما پیش تر با دانشجویها در ارتباط هستند و هیئت علمی دانشگاهها هستند. چرا جو دانشگاههای ما به شکلی شده که استادها جوری رفتار می کنند که دانشجو خودش را در کنار استاد نمی بیند بلکه در برابر استاد می بیند؟ به نظر می رسد که خود استادها پیش تر در به وجود آمدن این وضع مقصر باشند چون دانشجو وقتی وارد دانشگاه می شود**



تحقیق در یک جایی منجر به این نوع اختلافات یا این نوع نگاه‌های متضاد به هم دیگر می‌شود. ما باید شرایطی را فراهم کنیم در دانشگاه‌ها که اولاً نگاه تربیتی در آن‌ها تقویت بشود. دانشگاه فقط یک محلی نیست که ما بیاییم یک مدرکی بگیریم و از آن خارج بشویم چند نفر یا ده‌ها نفر یا صدها نفر هم به عنوان استاد بیایند و درس بدهند و یک پولی دریافت بکنند برای کاری که انجام می‌دهند. واقعا باید ما فراتر از این به مسئله‌ی دانشگاه و دانشجو و مسائل تربیتی دانشگاه فکر کنیم و از همین جهت هم هست که امام (ره) در ارتباط با دانشگاه و حوزه می‌فرمودند که می‌تواند یک کشوری را سعادت‌مند کند یا به سمت فساد بکشاند. یعنی اینقدر اثرگذار و تعیین‌کننده هست دانشگاه. یک بخش دیگری هم که به نظر من باید به آن توجه بشود علاوه بر مسائل تربیتی تا بتوانیم مشکلات را بکاهیم، مسئله‌ی مشارکت هست. وقتی که دانشجویان یا اساتید مشارکتی ندارند در اداری امور خودشان، طبیعتاً این منجر به نوعی سوء تفاهمات بشود و خود این سوء تفاهمات ممکن است به آن فضای اختلاف کمک بکند که به نظر من در این جهت هم باید راه‌حلهایی پیدا کرد که هم دانشجویان و هم اساتید در امور دانشگاه و اداری دانشگاه مشارکت بیشتری داشته باشند و نظام عادلانه‌تری برای تصمیم‌گیری‌ها وجود داشته باشد. نکته‌ی دیگر هم این است که به هر حال اساتید محترم دانشگاه‌ها از پختگی و مهارت‌های لازم برای تدریس برای کارهای علمی و تربیتی برخوردار باشند. اگر خدایی نکرده این‌ها هم دچار ضعف باشند ما

ما در آن تنفس می‌کنیم در دانشگاه بی‌تأثیر نیستند. این‌ها هم باید در جهت اصلاح این امر در واقع به نحوی چیده و فراهم بشود که بتواند کاهش بدهد این وضعیت را.

**در ارتباط با نشریات علمی متأسفانه دیده شده که در برخی نشریات معتبر داخلی یکی از شروط پذیرش مقاله الزام درج نام یک استاد ذکر شده. به**

ممکن است با پدیده‌ای که شما به آن اشاره کردید روبه‌رو بشویم. به هر حال هم دانشجویان هم اساتید محترم نقش مهمی دارند که بتوانند اگر چنین وضعیتی وجود دارد که عرض کردم من خیلی از آن اطلاعی ندارم به اصلاحش کمک کنند و طبیعتاً نقش اساتید در اینجا نقش مهم‌تر و بیش‌تری است. در عین حال سایر اجزای دانشگاه، مدیریت دانشگاه‌ها، حتی محیط و فضایی که

## نظر شما اینکه دانشجویی که توانایی نوشتن مقاله به صورت فردی یا به همراه دانشجویان دیگر را دارد، ملزم بشود حتما نام یک استاد را در مقاله بیاورد اتفاق مضر و ناپسندی نیست؟

فکر نمی‌کنم چنین چیزی وجود داشته باشد که بگویند نام استاد حتما باید باشد. حداقل من سراغ ندارم. دو تا بحث هست. یک موقع هست تعدادی دانشجو با هم کاری را انجام دادند، پروژه‌ای را انجام دادند و می‌خواهند آن را منتشر کنند، فکر نکنم محدودیتی از این جهت باشد و کسی الزام نکند دانشجویان را که حتما نام یک استاد در میان نام نویسندگان باشد. یک بحث هم مربوط به بخشی از برنامه‌های تحصیلی دانشجویان در دوره‌ی تکمیلی (فوق لیسانس و دکتری) است. در آنجا چون باید دانشجویان به عنوان تعدادی از واحدهای درسیشان یک پروژه‌ای را انجام بدهند مثلا در دوره‌ی دکتری ممکن است این حدود ۲۰ واحد باشد در دوره‌ی کارشناسی ارشد حدود ۶ واحد باشد. اینجا دانشجو به عنوان بخشی از فرایند تحصیل خودش باید یک پروژه‌ای را انجام بدهد و به صورت پایان‌نامه یا تست آن را ارائه بدهد. طبیعتا در دانشگاه این باید زیر نظر یک استاد انجام بشود و استاد یا گروه تحقیق یا مشاوران مسئولیت علمی کار را بپذیرند. از مرحله‌ی پروپوزال که پیش‌طرح هست در واقع تا مرحله‌ی نهایی که طرح تمام می‌شود و گزارش نهایی کار به صورت تز دانشجو فراهم می‌شود و باید از آن دفاع بشود، خوب طبیعتا اینجا نقش استاد و مشاوران دانشجو بسیار تعیین‌کننده هست و طبیعتا

کاری هم اگر قرار است از محصول این پروژه یا پایان‌نامه منتشر بشود که اکثر دانشگاه‌های کشور ما جزء ضوابطشان هست که بخشی از فرایند آموزشی برای فارغ‌التحصیلی دانشجو تلقی می‌شود باید مسئولیت علمی استاد انجام بشود. باید بین این دو مسئله تفکیک قائل شد.

## مسئله‌ی دوم که خودتان به آن اشاره کردید روال کار نباید به این شکل باشد که استاد دانشجو را الزام کند به درج نام خودش در مقاله و بگوید اگر نام من را نیاوری به تو نمره نمی‌دهم اما متأسفانه این اتفاق در حال رخ دادن است.

اگر در کار علمی است که زیر نظر استاد در فرایند آموزشی انجام می‌شود و بخشی از پایان‌نامه و تز دانشجو است، به طور طبیعی دانشجو باید اسم استاد را بیاورد و برای خود دانشجو هم افتخاری است که نام استادش در کنارش باشد ولی در مورد کارهایی که مربوط به پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد یا دکتری نیست هیچ محدودیتی وجود ندارد. دانشجویان می‌توانند با هم به صورت تیم تحقیقی کار کنند و منتشر کنند و هیچ مشکلی هم نداشته باشد.

## در ارتباط با مسئله‌ی اول هم من نمی‌خواستم نام ببرم ولی برای مثال خود پردیس فارابی نشریه حقوق خصوصی‌اش یکی از شرایطش الزام به درج نام استاد است یا فصلنامه‌ی تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی هم به همین شکل

## است.

مجلات می‌توانند برای خودشان قواعدی بگذارند به هر حال خیلی از مجلات علمی دنیا هم قواعدی برای خودشان دارند ولی این قواعد بیش‌تر من‌درآوردی است. این‌ها قواعدی نیستند که جامعه‌ی علمی دنیا و بین‌المللی و مراکز علمی پیشرفته به آن به عنوان یک قاعده نگاه کنند. قواعد اصلی همان قواعد اخلاقی است. قواعدی که اصطلاحا گفته می‌شود تقلب علمی و نوعی دست‌کاری داده‌ها و اهدای نویسندگی به افرادی که نقشی در کار نداشتند. اتفاقا اگر در کاری فردی حضور نداشته باشد و ما نام وی را به عنوان نویسنده وارد کنیم این کار، کار خلافی است و خلاف اخلاق نشر است. نه اینکه اگر چهارتا دانشجو کاری را انجام دادند و بخواهند با نام خودشان منتشر کنند ما آن‌ها را مجبور کنیم نام کسی که نویسنده نیست را اضافه کنند. این کار بسیار کار غیراخلاقی است. اتفاقا از یک مجله‌ی حقوقی بیش‌تر انتظار می‌رود به این نکات اخلاقی توجه کنند و مجبور نکنند افراد را که بروند و به صورت ناصحیح و نادرستی اسم کسی را وارد کنند. اتفاقا بخشی از مشکلاتی که ما احتمالا داریم در رابطه‌ی دانشجویی-استادی و این نوع مسائل ناشی از همین بی‌اخلاقی‌ها یا قوانین من‌درآوردی است. قانون که نیستند در واقع همین عاداتی که به هر حال تبدیل شدند به یک رفتار بارز یا غالب و عمدتا این‌ها یعنی قطعاً غیراخلاقی هستند و واقعا پذیرفته شده نیست.

چون بسیار بحث مهمی هست و دانشجویان ارشد و دکتری خیلی شاکی هستند از این

امکانات و زمان برای او فراهم بوده اما برای بعضی‌ها اینقدر فراهم نیست. اگر شما چندین سال بر یک مقاله کار کردید خوب به همان اندازه مزدش را می‌گیرید. بالاخره هر تلاشی پاداش خودش را دارد. ولی در دنیایی که به هر حال اعداد و ارقام هم برای خودشان نقش ایفا می‌کنند، اینکه ما قافله را ببازیم یا اینکه میدان را بسپاریم به این افراد و ما بگوییم می‌خواهیم برویم بر یک کار علمی چندین سال کار کنیم؛ چنین چیزی واقعا نادر است در فعالیتهای علمی. در واقع می‌خواهم اینجوری جمع‌بندی کنم، نباید افراط و تفریط صورت بگیرد، نه تعداد و کمیت را فراموش کنیم نه اینکه در کمیت اینقدر غرق بشویم که کیفیت‌ها از بین بروند. من این را در تجربه‌ی علمی خودم متوجه شدم که به همان مقداری که شما برای کارها زحمت می‌کشید، به همان مقدار می‌توانید انتظار پاداش و بازخورد داشته باشید. پاداش مادی منظور نیست، منظور دستاورد علمی است. در عین حال کارهایی بودند که ما زحمت زیادی برای آنها کشیدیم ولی دستاورد علمی چندانی برای ما نداشت. پس نمی‌شود هر یک از این‌ها را فدای دیگری کنیم. من خودم متوجه شدم که کیفیت هم از کمیت حاصل می‌شود. یعنی اینطور نیست که من بگویم در سال یک مقاله‌ی باکیفیت می‌نویسم. من باید ده‌تا ده‌تا تحقیق بکنم، از این ده‌تا تحقیق بتوانم پنج‌تایش را مقاله کنم از این پنج‌تا مقاله می‌توانم امید داشته باشم که نصف مقاله‌ام به‌دردبخور باشد. یعنی باید پنج‌تا مقاله را بنویسم که از بین آنها یک مقاله‌ی خوب و شایسته حاصل

اینکه خودشان این وضعیت را تجربه کردند. ما باید در یک جایی و در یک مقطعی واقعا تصمیم بگیریم خودمان خودمان را اصلاح کنیم و یک مقداری از حالت تعارف و این نوع مسائل خارج بشویم و برخوردهای حقوقی و قانونی و اخلاقی انجام بدهیم با مسئله، با کسانی که بدین نحو برای خودشان تلنباری از مقالات را فراهم می‌کنند. البته گاهی خود اساتید هم مطلع نیستند. این گناه اساتید نیست و مواردی هست که نام استاد را بدون اینکه به خود استاد اطلاع دهند در مقاله می‌آورند. در حال حاضر روش‌هایی درست شده که از این مسئله هم جلوگیری بشود. یعنی خود نشریات به استادان نامه می‌نویسند که «اسم شما در این مقاله هست، آیا شما خبر دارید یا خیر» که در برخی موارد استادان هم می‌نویسند «نه ما خبر نداریم». در مورد ترجمه‌ها باز هم یک کار بسیار بسیار غیراخلاقی و غیرصحیحی است. گاهی اوقات ممکن است استاد یک کتابی را تشخیص بدهد که کتاب خوبی است و می‌تواند بخشی از کار کلاسی قرار بگیرد. نظارت می‌کند، مشارکت می‌کند، ویراستاری می‌کند و واقعا نقش ایفا می‌کند. این می‌تواند بدون اشکال باشد ولی اینکه بگوییم این فصول را ترجمه کنید، بعد هم کتاب را به نام خودمان منتشر کنیم، بدون شک بدانید که این یک کار غیراخلاقی و غیرعلمی است و طبیعتا آثار بسیار سوءتربیتی بر جای خواهد گذاشت و ما باید با آنها برخورد کنیم. در مثالی که شما زدید هم باید توجه کنیم که نباید افراط و تفریط صورت بگیرد. حالا کسی خواسته بر یک مقاله چندین سال کار بکند حتما

**قضیه می‌خواهم دوباره برگردم به این موضوع و نکته‌ی دیگری را مطرح کنم. متأسفانه شاهد مواردی هستیم که استاد می‌آید و یک کتاب را بین دانشجویان تقسیم می‌کند و تا آخر ترم برای ترجمه مهلت می‌دهد و می‌گوید که نمره منوط به تحویل ترجمه است و بعد از اتمام ترم کتاب را بدون ذکر نام دانشجویان و به نام خودش چاپ می‌کند در حالی که هیچ دخالتی در ترجمه نداشته. چند سال پیش یک آماري منتشر شد از استادان با بیش‌ترین تعداد مقاله، بعد که نسبت گرفته می‌شد بین تعداد مقالات و تعداد روزهایی که این شخص فعالیت علمی داشته به اعداد عجیبی برمی‌خوردیم. مثلا استادی بود که به صورت میانگین هر سه روز یک مقاله نوشته بود. از طرف دیگر ما مریم میرزاخانی را داشتیم که چندین سال بر یک مقاله کار کرده بود. گویا به سمتی می‌رویم که برخی به دنبال این هستند که به هر نحوی فقط این کمیت و اعداد بالا برود. همان‌طور هم که خودتان اشاره کردید کارهای غیراخلاقی.**

این از همان نکات تربیتی و فضای علمی صحیحی است که ما از آن یاد کردیم. یعنی وقتی که دانشگاه و استاد تا این حد سقوط کنند طبیعی است که این چرخه‌ی باطل ادامه پیدا خواهد کرد. این دانشجویان تحت تأثیر همین اساتید تربیت می‌شوند و بعد همین‌ها همین بلا را سر دانشجویان دیگر می‌آورند با



بشود. دچار عوام‌زدگی نشویم، دچار حرف‌هایی که در تریبون‌ها بدون مسئولیت زده می‌شود نشویم. بنده عرضم این است که هر فرد دانشگاهی یا باید بخواند یا باید بنویسد یا باید انتشار بدهد یا باید تحقیق کند یا باید آموزش دهد. شما بروید و در طول ۳۶۵ روز مشغول بشوید و ببینید که زایش خواهد داشت. توجه کنیم ما وقتی از مقاله و نشر مقاله صحبت می‌کنیم از یک فرایند علمی صحبت می‌کنیم نه از باب اینکه عدد و رقم درست کنیم. ما معتقدیم هر محقق و پژوهشگری وقتی کار علمی و تحقیقی کرد به عنوان حلقه‌ی پایانی باید آن را نشر بدهد، نشر هم فقط نوشتن مقاله نیست بلکه یکی از راه‌های آن نشر در میان مردم هست یعنی یافته‌های خودش را به صورت ساده، به زبان ساده به مردم منتقل کند، از طریق رسانه‌های عمومی، خبرگزاری‌ها و شبکه‌های اجتماعی. به جای اینکه مطالب سخیف رد و بدل کنیم می‌توانیم از این شبکه‌های اجتماعی استفاده کنیم و یافته‌های تحقیقات علمی خودمان را به زبان ساده و مردمی بیان کنیم. نکته‌ی بعدی اینکه باید سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران و مدیران هر جامعه‌ای را از دستاوردهای علمی خودمان مطلع کنیم، این اطلاع‌رسانی باید در قالب یک گزارش فنی خلاصه تهیه بشود مثل پایان‌نامه‌ها. گاهی معتقدیم که ما باید بنشینیم و یه عده‌ای بیایند و ما را باد بزنند. در حالی که اینطور نیست، بنده که از مالیات مردم کاری یا تحقیقی را انجام دادم باید دستاوردهای خودم را اول از همه به مردم اطلاع‌رسانی کنم و دوم در اختیار سیاست‌گذاران بگذارم و سوم

باید در اختیار هم‌تایان علمی خودم قرار بدهم. هم‌تایان علمی من در سراسر دنیا محقق هستند که از یافته‌های علمی من بهره‌مند بشوند، همان‌طوری که من از یافته‌های آن‌ها بهره‌مند می‌شوم؛ این کار سوم را ما می‌گوییم نوشتن مقاله‌ی علمی که باید در مجلات علمی منتشر بشود و در اختیار هم‌تایان و هم‌گروهان علمی ما قرار بگیرد. اگر ما نگاهمان به نوشتن و انتشار اینگونه باشد، کارهای ضداخلاقی رخت برمی‌بندد و نگاه‌های کمی و کیفی اصلاح می‌شود. یک نوع تعدیل عملیاتی صورت می‌گیرد اگر ما به کار نوشتن، به کار پژوهش، به کار علمی به نحوی صحیح نگاه کنیم.

**مشکل دیگری که با آن روبه‌رو هستیم بحث نظارت بر هیئت علمی‌هاست. دانشجو حس می‌کند دستش به جایی بند نیست. اعتراض دانشجو به این شکل است که باید برود به معاون دانشکده‌ای اعتراض کند که خودش استاد است یا با دیگر استادان دوست است. آیا نهاد بالادستی وجود دارد که بر استادها نظارت کند؟**

ما در دانشگاه‌ها هیئت انتظامی اعضای هیئت علمی داریم که این هیئت مسئول رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی هستند. علاوه بر این کمیته‌های اخلاق هست که در وزارت علوم خیلی اطلاعی ندارم که البته شنیدم در صدد هستند و در حال تشکیل هستند ولی در وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از سال‌ها پیش این کمیته‌های اخلاق هستند و بخشی از کار آن‌ها نظارت

بر نشر اخلاق هست در حوزه‌ی علوم پزشکی و اگر اینگونه تخلفات رخ بدهد با آن‌ها برخورد حقوقی و قانونی می‌کنند و حتی همان‌طور که اطلاع دارید گاهی افراد را محروم کردند یا تنزل مرتبه دادند یعنی مثلاً دانشیار بودند شدند استادیار. به هر حال بخش‌های حقوقی ماجرا این هست که باید فعالانه‌تر حضور داشته باشند و به مسئله ورود کنند. چون خدایی نکرده عرض کردم مثل یک چرخه‌ی باطلی همین‌جوری تداوم پیدا کنند همین امروز که شما این حرف را می‌زنید زبانم لال فردا خودتان با دانشجویهای خودتان همین کار را می‌کنید چون همین‌طور تربیت شدید، چون در چنین نظام علمی‌ای پرورش پیدا کردید و فکر می‌کنید اگر اینکار را نکنید از دیگران عقب خواهید ماند و بقیه فکر می‌کنند شما یک انسان سفیه و عقب‌افتاده‌ای هستید. دفعات اول برایتان مشکل است مثل گناه ولی در ادامه خدایی نکرده مبتلا می‌شوید و معمولی می‌شود و این‌ها آثار وضعی دارد در زندگی شخصی و اجتماعی انسان و ما به خدا پناه می‌بریم از شر این وسوسه‌ها.

**به نظر شما افزایش بی‌حد و حصر دانشگاه‌ها چه تأثیری بر اوضاع پژوهش کشور دارند؟**

من خیلی اصراری به نظر خودم ندارم ولی من با دانشگاه‌های غیردولتی به طور کلی مخالفم. استنباط خود من این است که تأسیس این دانشگاه‌ها مخالف قانون اساسی است. یک موقعی هست که ما در مجلس شورای اسلامی یا شورای عالی انقلاب فرهنگی قانونی

ایران از کودکی و نوجوانی به همه می‌گوییم آقای دکتر، خانم مهندس، یعنی همین جور ذهن بچه را مشوش می‌کنیم تا وقتی که بخواد وارد دانشگاه بشود. از قبل شغل و رشته‌اش را پدر و مادرها تعیین کردند و خوب این‌ها خیلی منتسب به نوعی فرهنگ و عاداتی می‌شود که واقعا معلوم نیست مبنایش چیست. عرض کردم من باز هم اصرار دارم مبادا خدایی نکرده این‌طور استنباط بشود که این راه حل هست و ما با این کار می‌توانیم همه‌ی مشکلات را حل کنیم ولی به هر حال گفت‌وگو در این زمینه‌ها در یک فضای علمی و آزادانه حتما ضروری و لازم هست.

### **خیلی ممنون که این فرصت را به ما دادید تا ما بتوانیم از صحبت‌های شما استفاده ببریم. اگر سخن نهایی دارید بفرمایید.**

نه عرض خاصی ندارم. به هر حال ما باید توجه کنیم که علم و تحصیل و... در اسلام نوعی عبادت تلقی می‌شود و ما نباید این عبادت را با حواشی ناخواسته آلوده کنیم. حدیث بیست و ششم از چهل حدیث مرحوم امام خمینی حدیث بسیار خوبی در این زمینه است که حدیثی از پیامبر (ص) روایت می‌کند. این ارزش علم و دانش و تحصیل در راه خدا است، در راه خدا هم که می‌گوییم یعنی خدمت به خلق؛ هر کسی که به مردم خدمت می‌کند در حال عبادت است.

مراکزی را به وجود بیاوریم که پول را برای آن‌ها تأمین کنند و آن‌ها هم پول بدهند و به دانشگاه بروند یا اینکه نمی‌خواهیم این کار را بکنیم و دانشگاه‌های رسمی دولتی داریم و می‌خواهیم افراد کنکور بدهند نظام آموزشی ما باید این قسمت غیردولتی و غیرانتفاعی و دانشگاه‌های پولی را حذف کند. وقتی دو سیستم به وجود بیاید در این شکاف ممکن است تخلفاتی شکل بگیرد، بخشی از این پایان‌نامه‌فروشی و... وقتی گسترش پیدا کرد که این مؤسسات و دانشگاه‌ها به وجود آمدند، چون قبل از این جور چیزها هم قبیح بود هم وجود نداشت. چون در این دانشگاه‌ها افراد با قابلیت‌های کم‌تری وارد می‌شوند و عمدتاً بر پول استوار است، ناچار تقلباتی رخ می‌دهد. البته جمع کردن و تعطیل کردن این مؤسسات غیردولتی و غیرانتفاعی نباید منتهی بشود به محدود کردن فرصت آموزشی جوانان بلکه باید امکانات دیگر را گسترش بدهیم و شرایط را فراهم کنیم که همه‌ی جوانان این کشور به طور مساوی و عادلانه اگر مایل بودند درس بخوانند وارد نظام آموزشی کشور شوند. آیا ما برای آینده و زندگی بهتر حتما باید وارد دانشگاه بشویم؟ من فکر می‌کنم ورود به دانشگاه در بعضی کشورها از جمله کشور ما یک تب غیرطبیعی است. چون در سایر کشورهای پیشرفته این‌طور نیست، افراد می‌روند و مهارت‌های دیگری را پیدا می‌کنند خارج از دانشگاه و زندگی آبرومندان‌های را برای خودشان تنظیم می‌کنند، اگر فکر کردند که در آینده‌ی آن‌ها تأثیر دارد درس خواندن می‌روند به دانشگاه و بعد هم از آن استفاده می‌کنند. در

یا ضابطه‌ای را تصویب کنیم که خوب این قوانین نمی‌توانند در تضاد با قانون اساسی کشور ما باشند چون قانون اساسی کشور ما تحصیل را رایگان کرده و گفته که تا مرز خودکفایی هم دانشگاه‌ها باید همین‌طور باشند. اگر قانون اساسی را تغییر بدهند و برای آن چاره‌ای بیندیشند آن موقع می‌توان راجع به بقیه‌ی مطالب صحبت کرد ولی در حال حاضر به نظر من این کار خلاف قانون اساسی است و یا ما بیاییم همه‌ی دانشگاه‌ها را پولی کنیم یا اینکه واقعا این بساط را جمع کنیم. اینکه می‌گوییم دانشگاه‌ها را پولی کنیم معنایش این است که ورود به دانشگاه را آزاد کنیم با پول و بگوییم هر کسی که می‌خواهد در دانشگاه درس بخواند باید پول بدهد و درس بخواند. در سایر کشورهای پیشرفته‌ی دنیا هم همین‌طور است، افراد با توجه به سابقه‌ی تحصیلی‌شان در دبیرستان تقاضا می‌کنند و دانشگاه‌ها آن را بررسی می‌کنند و وارد دانشگاه می‌شوند. مثال معروف را شنیدید که می‌گوید در دانشگاه‌های ایران ورود سخت است و خروج آسان ولی در جاهای دیگر ورود آسان است و خروج سخت است، یعنی شما تا صلاحیت‌ها و مهارت‌های لازم در هر رشته را پیدا نکنید غیرممکن است که بتوانید فارغ‌التحصیل بشوید. اینجا می‌گویند که شما از این سد بگذر و بعد دیگر تمام، به همین دلیل ما با فارغ‌التحصیلانی مواجه می‌شویم که از مهارت لازم برخوردار نیستند. من معتقدم که کنکور را باید قاطعانه حذف کنیم و همه‌ی دانشگاه‌ها را پولی کنیم و اگر هم کسانی بی‌بضاعت هستند و می‌خواهند وارد دانشگاه شوند،

در پایان ایشان حدیثی از حضرت امام خمینی (ره) نقل کردند که می‌توانید با ضربه از تارنمای پرتال امام خمینی بخوانید.